بررسی «شرق» از تلخ و شیرین ۲ دهه زندگی مشترک ایرانیان با پراید

# پرایدُلوژی

**معصومه اصغری:** پیکان هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد خودرویی جمع‌وجور و نرم و نازک بتواند بعد از او تبدیل به خودروی بیشتر مردم ایران و خودرویی پرخاطره برای همه تبدیل شود. می‌توان گفت همه مردم ایران به شکلی با پراید خاطره دارند؛ حالا یا خودشان و خانواده و فامیلشان پراید داشته‌اند یا در شهرشان سوار پراید شده‌اند. البته خاطرات از پراید را حتما باید به دو بخش خاطرات تلخ و شیرین تقسیم کنیم.

پراید را می‌توان یکی از موارد متعدد تجددهای مسئول‌خواسته و اجبارشده در زندگی مردم ایران قلمداد کرد؛ گزینه‌ای که هیچ گزینه مقابلی برای انتخاب نداشت و اگر پولتان و شرایطتان به اندازه خودروهای گران‌تر نبود، مجبور بودید همان پراید را داشته باشید. البته پرایدی که تا اینجا از آن صحبت می‌کنیم، پراید تا هفت - هشت‌میلیونی قبل از سال ۹۰ است که تقریبا همه مردم ایران از پیرمرد تا نوجوانانی که تازه ۱۸ سالشان شده بود، می‌توانستند بخرند. حالا که درباره ازرده‌خارج‌کردن این خودرو محبوب ایرانیزه‌شده صحبت می‌کنیم، پراید به انواع مختلف و متفاوت و البته گرانی تغییر ماهیت داده و فرزندان زیادی دارد که هر طور شکل و داخلشان را تغییر دهد و جان به جانشان کند، باز هم پراید خواهند بود. پراید دیگر یک خودرو ارزان نیست که هر خانواده‌ای بتواند یکی از آن را داشته باشد؛ به عبارت دیگر این پراید نبود که خود را با خانواده‌های ایرانی تطبیق داد، این خانواده‌های همیشه منحصربه‌فرد و شگفت‌انگیز ایرانی بودند که باوجود همه نیش و زخم‌هایی که از پراید دیدند و می‌بینند باز هم برای پراید سرودست می‌شکنند و نمی‌گذارند این خودرو روی زمین بماند و حتی با قیمتی سه‌برابری باز هم پراید می‌خرند.

خبری که شرکت سایپا در توقف خط تولید خودرو پراید هاچ‌بک اعلام کرده است، چندان جدید نیست و بارها این خبر تشویقی برای ولع بیشتر بازار و مردم ایران به خرید، پراید اعلام شده است. از اواخر سال ۹۱ که موضوع استانداردهای خودروهای داخلی مطرح شد و آپشن‌های پراید در حد حداقل‌ها هم نبود، موضوع ازرده‌خارج‌شدن این خودرو را بارها مسئولان راهور و سایر مسئولان شهری و نمایندگان مجلس مطرح و پیگیری کردند؛ اما مثل همیشه، زور خودروسازان به همه مسئولان اجرائی چربید و پراید مقتدرانه به راه خود ادامه داد.

مسئولان شرکت سایپا گفته‌اند توقف پرتیراژترین خودروی داخلی را با توقف تولید پراید ۱۱۱ هاچ‌بک شروع کنند؛ اما این اعلام که از حالا برای اردیبهشت سال آینده اعلام شده، معلوم نیست اجرائی شود و برای چندمین بار بیشتر بوی بازاریابی برای تولیدات این خودرو را دارد و باید دید چقدر این قول می‌تواند اجرائی شود.

## سری کره‌ای هنوز خواهان دارد

سری اول پرایدهای هاچ‌بک و صندوق‌داری که وارد ایران شده بود و تا مدتی تولید هم می‌شد، به سری کره‌ای معروف بودند که هم بدنه قوی‌تری داشتند و هم از نظر جان‌سختی، بسیار زبانزد بودند و می‌توانستید تفاوت را در صدای نفس‌کشیدن خودرو هم متوجه شوید. پرایدهای کره‌ای هنوز هم خواهان دارد و کسانی که همان سال‌ها پراید کره‌ای داشتند، شاید تا امروز آن را نگه داشته باشند و هنوز از سری کره‌ای‌بودن پراید یک آپشن مهم در خرید آن است. یکی از دوستان می‌گفت همکار پزشکم دهه ۷۰ یکی از پرایدهای هاچ‌بک کره‌ای را خرید و آن زمان کلی باکلاس بود و هنوز هم آن را نگه داشته است. علت این تفاوت بین نمونه کره‌ای و تولیدات داخل، جز این بود که تولید داخل تمام آپشن‌های مهم در اتاق و بدنه را از این خودروی جمع‌وجور و سبک گرفته بود؟ خودرویی که بدنه‌اش با یه مشت فرو می‌رفت، چطور می‌توانست در تهران و ترافیک و تصادفات روزمره‌اش جان‌سختی کند و از خود و راننده و سرنشینانش دفاع کند؟

## خودروی فشن‌اسپرت‌های پایین‌شهر

پراید هاچ‌بک اولین سری از خودروهایی بود که جوانان قشر متوسط و به قولی پایین‌شهری می‌توانستند روی آن مانور دهند و کَل‌کَل راه بیندازند. خودروهایی مثل گلف و گُل هاچ‌بک آن زمان برای جوانان این طبقه گران بود؛ اما پراید هاچ‌بک گزینه جدید و نزدیک به هدفی بود که هنوز هم به ذائقه همین قشر خوش می‌آید. به عبارتی این گونه متغیر شده خودرویی تا امروز دو نسل از جوانان دهه ۶۰ و ۷۰ را همراهی کرده و هنوز هم مشتاق به همراهی است.

## پراید و پایان دونفره جلونشستن

وقتی پراید تبدیل به خوردرو بیشتر شهرهای ایران شد، تقریبا همه به این نتیجه رسیده بودند که این خودرو مناسب خانواده‌های شلوغ و ایرانی نیست؛ اما باز هم این خانواده‌های ایرانی بودند که خود را با پراید تطبیق دادند و جمعیتشان را کم کردند تا به پراید فشار زیادی وارد نشود. این‌گونه بود که قوانین و آیین‌نامه‌هایی برای کم‌سرنشین‌بودن در پراید تصویب شد. هم‌زمان با موجی که برای بستن کمربند ایمنی حداقل برای راننده و سرنشین جلو، شروع شده بود، قرار شد فقط یک نفر جلو بنشیند و دو نفر به جای سه نفر روی صندلی عقب بنشینند؛ چون اتاق پراید از نظر عرض، طول و ارتفاع، جواب‌گوی سه نفر آدم بزرگ نبود. البته این آیین‌نامه‌ها به شکل کامل اجرائی نشد و هنوز صندلی عقب در عرف اجتماعی و قواعد شهری و نه قوانین، همان سه‌نفره است؛ اما پراید خاطرات مشترک بسیاری را از دو نفر جلو نشستن از بین برد و دیگر نه پراید جایی برای دونفره‌نشستن داشت و نه جریمه‌های قانونی می‌گذاشت این نزدیکی دوستی‌خیز ادامه یابد.

## گزینه مهم برای ازدواج

بسیاری از جوانان در این سال‌ها با پراید ازدواج کردند؛ یعنی اول پراید خریدند بعد رفتند خواستگاری و جواب مثبت هم گرفتند. پراید برایشان بلیت و برگ برنده بود؛ چون با پراید همه کاری می‌شد انجام داد و دیگر حتی نگران بی‌کاری داماد نبودند. دامادی که می‌توانست پراید داشته باشد، می‌توانست رشد کند و مدل‌های بالاتر را هم بخرد و غیر از این چند سال آخر، کلاس خوبی هم در قشر متوسط رو به پایین جامعه داشت. قشری که حتی مدیرعامل سایپا هم معتقد است پراید را اصلا برای همین قشر تولید می‌کنند. یادم هست برادر یکی از دوستان بدون سربازی و کار در دوره دولت نهم وقتی نوسازی خودروهای فرسوده را راه انداخته بودند، یک پیکان قراضه داد و با وام یک پراید نو خرید و چند ماه بعد هم ازدواج کرد.

## چه سفرها که نرفتیم با پراید

واقعیت انکارنشدنی پراید این است که این خودرو بسیاری از خانواده‌های ایرانی را خودردار کرد و بسیاری از خانواده‌های ایرانی اولین سفر شمال و مشهدشان را با پراید رفتند. پدر من هم مثل بسیاری از خانواده‌ها برای هزینه‌های خرید خانه سازمانی پیکان آلبالویی جذابش را فروخته بود و سال‌ها بود ماشین نداشتیم. اولین سفر خانوادگی با ماشین ما وقتی بود که خواهرم گواهینامه گرفت و پرایدی کره‌ای خرید و ما اولین شمال مشترکمان را رفتیم. در دوره‌ای آن‌قدر پراید در سفرهای نوروزی و تابستانی در جاده‌ها غالب بود که پلیس راهور درمورد این وضعیت گزارش ویژه ارائه می‌کرد. این دوره دوره‌ای بود که هنوز مسئولان راهور و سایر مسئولان اجرائی بنایی بر اعلام تلفات این خودرو نداشتند. پراید برای خانواده‌های ایرانی که عادت به سفر با خودرو به شکل کمپینگ و با لوازم بسیار دارند مناسب نبود اما باز هم این خانواده‌های ایرانی بودند که خود و خانواده را با صندوق کوچک و اتاق تنگ تطبیق دادند و باز هم به سفر رفتند.

> **وقتی از پراید حرف می‌زنیم از زندگی و روند گاهی شاد و گاهی تلخ حرف می‌زنیم که به شکل نمادی از زندگی بسیاری از ایرانیان است که دچار آن هستند. وقتی از پراید حرف می‌زنیم یا آن را کنار موضوعات دیگر می‌آوریم یا مثال پراید را برای هر موضوع کم‌اهمیت می‌آوریم، به نوعی شروع به اعتراض اجتماعی می‌کنیم**

## گزینه مطلوب برای تاکسی پایتخت

آن‌قدر پراید گزینه مطلوبی برای شهروندان بود که مسئولان دولت‌های نهم و دهم و البته با مخالفت مدیریت شهری وقت به پراید رنگ زرد زد و آن را وارد تهران کرد تا به‌عنوان تاکسی فعال شود. رانندگان تاکسی که سال‌ها منتظر نوسازی پیکان قراضه خود بودند، باز هم چاره و گزینه‌ای جز پراید نداشتند و مثل مردم تهران مجبور به قبول این خودرو شدند. این‌گونه بود که پراید با همان اتاق تنگ و کوتاهش تبدیل به تاکسی غالب در تهران و شهرهای دیگر ایران شد و مسافرانش همان‌طور فشرده کنار هم نشستند. تاکسی‌های پرایدی که کمتر از ۱۰ سال از عمرشان نمی‌گذرد، این روزها در نوبت نوسازی هستند و حالا تنها رانندگان تاکسی هستند که باید تاوان وام آن را بدهند و باز هم گزینه‌های پیش‌رویشان با توجه به پولشان اختیاری نیست.

## جای خالی پراید برای مسافرکش‌ها

در این سال‌ها در کنار پراید تاکسی، گزینه دیگری به حمل‌ونقل شهری هم اضافه شد که مورد استفاده و اقبال مردم و البته اعتراض رانندگان تاکسی بود و آن هم مسافرکش‌های پرایدی بود. از آنجا که پراید گزینه معمول و معقولی برای قشر متوسط بود، بسیاری از امکان مسافرکشی با پراید در ساعات مختلفی از شبانه‌روز و قبل و بعد از اداره استفاده می‌کردند. در دوره‌ای دولت و مدیریت شهری سعی در حذف این مسافرکش‌ها و ساماندهی آنها داشتند که موفق نشدند و این مسافرکش‌های پرایدی کماکان در تهران و شهرهای دیگر حضور دارند و حسابی هم فعال هستند. در این مورد باید گفت این آپشن برای پراید که مورد اعتماد مردم هم هست، تبدیل به یک شغل شده و حالا این نگرانی وجود دارد که اگر پراید دیگر تولید نشود، این قشر که با پراید مسافر و حتی بار جابه‌جا می‌کردند و نان شب درمی‌آوردند، چه می‌کنند؟

## رکورد دزدی از پراید در ۳ ثانیه

از جایی به بعد پرونده پراید آن‌قدر سنگین شد که مسئولان انتظامی و راهور نمی‌توانستند آمار ندهند و به‌این‌ترتیب آمارهای نگران‌کننده در مورد پراید یکباره همه‌جا را پر کرد. مسئولان انتظامی پراید را ناامن‌ترین خودرو از نظر دسترسی سارقان اعلام کردند. محمد رویانیان در دوره‌ای که رئیس ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت کشور بود، اعلام کرد ۴۴ درصد تصادفات منجر به واژگونی و فوت مربوط به دو خودروی پیکان و پراید است. سردار تقی مهری، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا هم با استناد به آمارها اعلام کرد بیش از ۲۳ درصد تصادفات فوتی با پراید رخ داده است. چندی‌قبل هم دزدی ۵۰ساله که از کرج به مشهد کوچ کرده بود، رکورد دزدی از پراید را شکست. او که در اطراف مراکز مهم تجاری، اموال داخل خودروهای پراید را می‌ربود، اعتراف کرد دزدگیر خودروها را در سه ثانیه قطع می‌کرد.

فارغ از این آمار مردمی که سوار پراید می‌شدند، به چشم خود می‌دیدند که در خانواده‌های اطراف خود چگونه قربانی می‌گیرد و این‌گونه بود که خاطرات پراید از جایی به بعد دیگر بیشتر تلخ بود تا شیرین. پراید مثلث ناامنی جاده‌های ایران یعنی جاده‌های ناایمن و غیراستاندارد و راننده سهل‌انگار را تکمیل کرد. در آماری که پزشکی قانونی در سال ۹۳ از تعداد کشته‌شدگان حوادث جاده‌ای اعلام کرد مشخص شد که دوهزار و ۴۵۴ نفر از کشته‌شدگان حوادث رانندگی سال ۱۳۹۲، راننده یا سرنشین خودروی پراید بوده‌اند.

## وقتی از پراید حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم؟

محصول ویژه‌ای که گفته می‌شود به‌عنوان پرفروش‌ترین محصول خودروسازان داخلی سود قابل توجهی را هم برای شرکت سایپا به همراه داشته است و دارد، حالا دیگر تبدیل به نماد و مفهومی اجتماعی در جامعه ما شده است. پراید و پرایدسوار و همه موضوعاتی که به این خودرو مربوط می‌شود معرفی‌کننده قشر و سطحی در اجتماع ماست که بیشترین قشر اجتماع هستند. وقتی از پراید حرف می‌زنیم از زندگی و روندی کم‌کیفیت، گاهی شاد و گاهی تلخ حرف می‌زنیم که به شکل نمادی از زندگی بسیاری از ایرانیان است که دچار آن هستند و حداقل فعلا چاره‌ای جز آن ندارند و با همان هم خوش هستند. وقتی از پراید حرف می‌زنیم یا در شبکه‌های اجتماعی هشتگ آن را کنار موضوعات دیگر می‌آوریم یا مثال پراید را برای هر موضوع کم‌اهمیت می‌آوریم، به نوعی شروع به اعتراض اجتماعی می‌کنیم؛ اعتراضی که در نتیجه عدم امکان تغییر در زندگی واقعی به وجود آمده است.

---

من و اماس

## فرزندآوری آرزویی ممکن یا ممتنع

مریم پیمان

پیراهن صورتی کوتاهش را روی پاهای لطیف و کوچکش می‌کشم. به خودم می‌چسبانمش و لبخند به رخسارِ درخواب‌غلتیده او می‌فشانم. انگشتان کشیده و کوچک او را می‌بوسم و آرام از روی صندلی بلند می‌شوم. اتاق‌های خانه تودرتو، بزرگ و پر از نورند. عطر غذا در فضا پیچیده است. به طرف آشپزخانه می‌روم. ناخودآگاه به چارچوب در می‌خورم؛ «زیر پاهایم انگار خالی می‌شوند». صدای مطهره در سرم می‌پیچد و نوزاد در هوا می‌رقصد. روی سرامیک سفید و کرم آشپزخانه، پاهایم می‌لغزند. جاذبه چند برابر می‌شود و نوزاد با شدت و فریاد گریه به زمین می‌خورد. پیراهنش دیگر سرخ شده است، به رنگ خون. سرم را از روی صفحه نم‌ناک بلند و صورت خیسم را در دستانم محاصره می‌کنم. نوزاد متولد نشده‌ام در خواب و خیال از دستان من بر زمین رها شد و بر کاغذ مرد. صدای هق‌هقم اتاق را برمی‌دارد؛ می‌گریم؛ در نیمه عمر، در حسرت دنیانیامدن یک فرزند برای جاودانگی و از توهم ناتوانی در پرستاری از طفل دنیا نیامده‌ام. بارها به انتقال بیماری «اماس»، ضعف در هنگام تولد، حمله بعد از زایمان و هزاران مشکل دیگر برای فرزند خیالی‌ام و مادرش اندیشیده‌ام؛ اما هیچ دلیلی برای نداشتن او نیافتم؛ جز ترس. «مادران سالم، فرزند سالم ندارند، با مصرف این همه دارو، چه انتظاری از من دارید؟». صدای من در حرف‌های نامفهوم پزشک پژواک دارد و تکرار می‌شود و تکرار می‌شود و تکرار. خودم را در چشمان ترسیده او می‌بینم. از حرف‌های مشفقانه‌اش چیزی نه شنیده‌ام و نه فهمیده. آینده را نوید می‌دهد و شکلی از بودن را به من توصیه می‌کند؛ «جوان و زیبایی و فرصت‌های زیادی داری!». حرف‌های تکراری، مبهم و کلی. آینده‌ای دور و محال؛ زندگی در دنیایی دیگر با ویژگی‌های دور از امکان. «مادر»شدن و در فضای «خانواده» زندگی‌کردن؛ خیال‌های خام. هر لحظه که می‌گذرد، باور امکان‌پذیری چنین امتناعی برای من مبتلا به بیماری محالی می‌شود. رؤیاهای دست‌نیافتنی و تصویر خیال‌انگیزی عجیب از خانواده‌ای که نقش بودن را به من بسپارد؛ بی‌خبر از آنکه من مدت‌هاست خودم را در تک‌تک قبرهای خالی آماده بهشت‌زهرا نوبت به نوبت، دفن کرده‌ام. برای خودم در همهمه، تلقین خوانده‌ام و بر استخوان‌های پوک برجای‌مانده از «اماس»، فاتحه. توصیه‌های پزشکان و تجربه‌های دوستانم، از تصویر تولد یک فرزند واقعی‌ترند و برای من باورنکردنی. داشتن چندین فرزند، حاصل زیر نظر پزشک‌بودن و رعایت توصیه‌های او پیش و پس از تولد، برای تعدادی از دوستانم بوده است. بهبود بیماری و در موارد زیادی، ازبین‌رفتن آن در دوره بارداری، بسیاری از دوستانم را به بارداری‌های دوم و سوم تشویق کرده است. در سال‌های اخیر نیز بسیاری از بیماران بعد از زایمان متوجه علائم بیماری و تشخیص «اماس» شده‌اند. قطع دارو یک ماه پیش از بارداری و مراقبت‌ها پس از تولد، برای مادر دشوار نیست؛ وقتی مادر نگران انتقال بیماری به نوزاد است؛ اما پزشک می‌گوید: « «اماس» مادر هیچ اثری روی جنین ندارد». پیراهن صورتی کوتاهش را روی پاهای لطیف و کوچکش می‌کشم. به خودم می‌چسبانمش و لبخند به رخسارِ در خواب غلتیده او می‌فشانم. انگشتان کشیده و کوچک او را می‌بوسم.

---

تهرانشهر

## محرمیت بر باد رفته

علیرضا زمانی

حدود ۵۰۰ سال پیش، تهران شایستگی یافت تا در زمره شهرهای عالم قرار گیرد، ازاین‌رو شاه‌طهماسب با دستور ساخت حصار و دروازه‌های شهر، ردای مدنیت بر تنش پوشانید. این حصار ۱۱۴ برج داشته، دروازه‌های چهارگانه‌اش نقطه اتصال تهران و مردمانش به اقصانقاط عالم بود. براساس نقشه موجود تهران محصور در حصار صفوی که به دست کرشیش ترسیم شده، حصار شهر تا حدودی ذوزنقه‌مانند بود. موقعیت این ذوزنقه به‌لحاظ جغرافیایی، دقیق رو به شمال نبود، به‌همین‌دلیل محور شهر شمال شرقی به جنوب غربی بود و به این ترتیب، موقعیت شهر به‌گونه‌ای در جهت قبله قرار می‌گرفت. بیشتر گذرهای شهر نیز به تأسی از موقعیت مکانی شهر، به‌گونه‌ای شکل گرفته بودند که خانه‌ها هنگام ساخت، از سمت جنوب رو به قبله قرار می‌گرفتند و قبله در بیشتر خانه‌ها به‌جای آنکه کمی متمایل به راست باشد، صاف بود و این همان هنری است که مرحوم لرزاده در مساجدی که آنها را می‌ساخت، رعایت می‌کرد. همان هنری که مسجد امام میدان نقش جهان اصفهان نیز براساس آن طراحی شده است. از سوی دیگر، گذرها و کوچه‌های شهر پرپیچ‌وخم و طولانی ساخته می‌شد. گذری که با پیچ‌وخم نهری پیچ‌وتاب می‌خورد یا کوچه‌ای که در امتداد دیوار و پرچین باغی قوس می‌گرفت. این شکل کوچه‌ها و گذرها که در شهرسازی امروزی به بافت ارگانیک شناخته می‌شوند، باعث به‌وجودآمدن اصل محرمیت در محله‌های شهر شده بودند. اصلی فراموش شده که امروزه میان بافت‌های شطرنجی استاندارد الگوبرداری‌شده از شهرسازی غربی مدفون شده است؛ محرمیتی که حرمت این شهر بود. کوچه‌های پرپیچ‌وخم امروز عودلاجان و سنگلج گواه این مدعاست. امروز اگر کسی قصد داشته باشد وارد کوچه‌های عودلاجان شود، احساس کسی را دارد که وارد فضای نیمه‌خصوصی شده، ازاین‌رو ورود به این محله کمی برایش سخت می‌شود. در گذشته، خانه و همسایه‌های بی‌شمار کوچه‌های پرپیچ‌وتاب این محله‌ها، چنان نظارت عمومی در محله ایجاد می‌کردند که هر غریبه به‌راحتی نمی‌توانست وارد محله شود و رفتار هرکس در محله به نوعی کنترل می‌شد، ازهمین‌رو افراد شرور محل، هیچ‌گاه درون محله خود دست به خلاف نمی‌زدند. کوچه‌های پرپیچ‌وخم و بن‌بست و ساباط‌دار، همه نوعی محرمیت و فضای خصوصی و امنیت برای ساکنان ایجاد می‌کردند. با فروپاشی شهرسازی سنتی، اصل محرمیت زیر چرخ توسعه بافت شطرنجی شهرسازی پرزرق‌وبرق غربی به باد فراموشی سپرده شد. محرمیتی که مهم‌ترین دستاوردش برای ساکنان شهر ایجاد امنیت بود. امروزه اگرچه از اصل محرمیت چندان خبر نیست، اما در دو محله نازی‌آباد و نارمک، با بهره‌گیری از الگوی شهرسازی غربی کلارنس پری که یک‌جورهایی بومی‌سازی شده، تا حدودی این محرمیت و امنیت را می‌توان دید. الگویی که اولین‌بار در یکی از شهرهای آمریکا برای ایجاد امنیت و کاهش آسیب‌های اجتماعی فراوانش طراحی شد. این الگو مانند آنچه در نازی‌آباد و نارمک صد میدان می‌بینیم، با ایجاد میادین فراوان در یک منطقه و ایجاد یک ورودی برای هر میدان، سبب می‌شد فضایی نیمه‌خصوصی در اطراف این میدان و کوچه‌های بن‌بست منتهی به آن ایجاد شود و نوعی نظارت عمومی را در هرکدام از این میدان‌ها شاهد باشیم.

---

جدول ۲۹۲۱ ■ طراح: بیژن گورانی

**افقی:**

۱- انتقال مایعات با تلمبه- سیاست‌مدار- استارت قدیمی ۲- داستانی به قلم تنسی ویلیامز، نویسنده آمریکایی قرن بیستم ۳- اجاق کیک‌پزی- نامی دخترانه- جان‌ها- راهی که به آخر نمی‌رسد! ۴- عذاب- واحد اندازه‌گیری شدت جریان الکتریکی- سحر و جادو ۵- دچار اختلال حواس موقتی- آرام بخش- قرار داده شده ۶- ثروت و دارایی- غالب- لطیف ۷ - عرب‌ها- پرچانه- چاره‌اندیشی ۸- قورباغه- بهانه‌تراشی- نزدیک‌شدن- حرف ندا ۹- خواهان- جامه پشمی دست‌باف- شیرینی سوغات یزد ۱۰- پس‌غذا- حرکت و جنبش- ژرف‌اندیشی ۱۱- اشعه فرابنفش- خدای مصریان قدیم- خطی در دایره ۱۲- ساقه خوراکی ترش و شیرین- برگه دریافت کالا- از جنس آهن ۱۳- شماره دروازه‌بان- خوک وحشی- نوعی خط قدیمی- ضمیر انگلیسی ۱۴- مثلی فارسی که درباره رشوه دادن به کار می‌رود ۱۵- پرنده‌ای از خانواده گنجشک- زمین بی‌صاحب- برای دفع چشم زخم در آتش می‌ریزند.

**عمودی:**

۱- دستوری نظامی- جنگ و پیکار- شکل ظاهری ۲- پیشرفته- هنرمند دوربین به دست- صادق و بی‌ریا ۳- خرس پرطرفدار کارتونی- آتشدان- فریاد بلند- حشره‌ای خونخوار ۴- عظمت- نویسنده- متنافر ۵- واحد اندازه‌گیری کار و انرژی- محل پیدایش چیزی- سخن تحقیرآمیز ۶- شیوه اداره امور- به صورت سه گوش- امت‌ها ۷- نامی پسرانه- شیرینی عزا- ذخیره ۸- تیر پیکاندار- لاستیک سوراخ شده- شیطان- دو یار همقد ۹ - براق‌کننده پارچه- انجمن بین‌المللی هواپیمایی جهان- خجستگی ۱۰- آداب و رسوم- آرنج- خداحافظی‌کردن ۱۱- بهبود- داستان بلند- جای خالی از هوا ۱۲- رفیق راه- لبخند ملیح- اشعه مجهول ۱۳- آخرین یک‌رقمی- غربال- کلیه- طاقچه قدیمی ۱۴- اهل نفاق- نواری که غضروف‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند- تار بافتن عنکبوت ۱۵- زبان عربی- قابل مشاهده- گیاهی از خانواده ریواس.

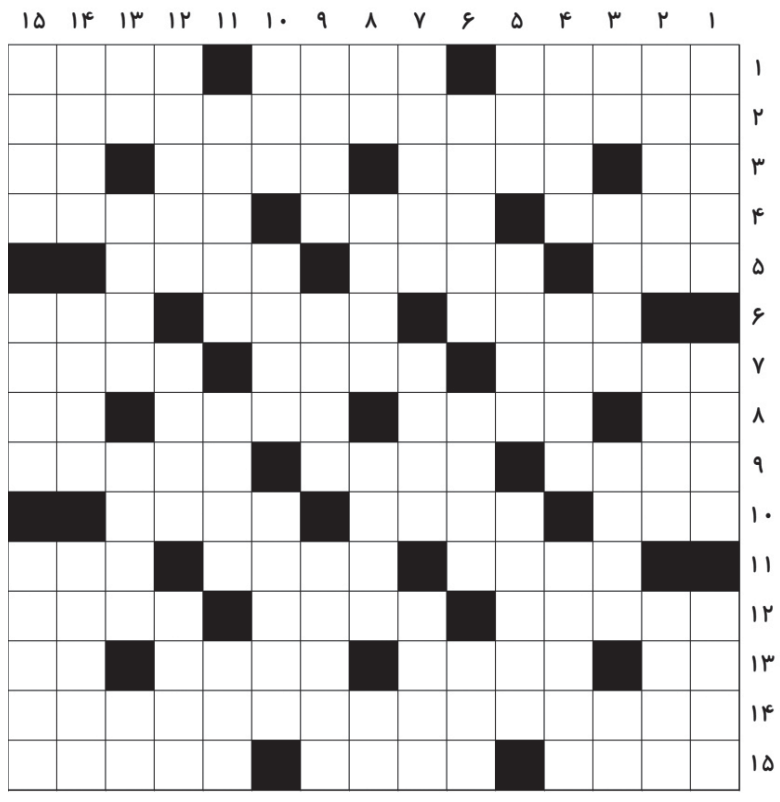

حل سودوکو سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۳ | ۹ | ۶ | ۷ | ۴ | ۲ | ۵ | ۸ | ۱ |
| ۸ | ۷ | ۵ | ۹ | ۱ | ۶ | ۲ | ۴ | ۳ |
| ۱ | ۲ | ۴ | ۳ | ۸ | ۵ | ۷ | ۹ | ۶ |
| ۴ | ۳ | ۱ | ۸ | ۵ | ۷ | ۶ | ۲ | ۹ |
| ۷ | ۸ | ۲ | ۴ | ۶ | ۹ | ۳ | ۱ | ۵ |
| ۵ | ۶ | ۹ | ۲ | ۳ | ۱ | ۸ | ۷ | ۴ |
| ۲ | ۴ | ۳ | ۵ | ۹ | ۸ | ۱ | ۶ | ۷ |
| ۹ | ۱ | ۸ | ۶ | ۷ | ۳ | ۴ | ۵ | ۲ |
| ۶ | ۵ | ۷ | ۱ | ۲ | ۴ | ۹ | ۳ | ۸ |

حل سودوکو ۱۹۱۶

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۳ | ۷ | ۲ | ۹ | ۸ | ۶ | ۵ | ۴ |
| ۴ | ۸ | ۶ | ۱ | ۷ | ۵ | ۲ | ۹ | ۳ |
| ۹ | ۵ | ۲ | ۴ | ۳ | ۶ | ۱ | ۷ | ۸ |
| ۶ | ۷ | ۱ | ۵ | ۸ | ۲ | ۴ | ۳ | ۹ |
| ۲ | ۴ | ۸ | ۳ | ۱ | ۹ | ۵ | ۶ | ۷ |
| ۵ | ۹ | ۳ | ۷ | ۶ | ۴ | ۸ | ۲ | ۱ |
| ۷ | ۶ | ۹ | ۸ | ۲ | ۱ | ۳ | ۴ | ۵ |
| ۸ | ۲ | ۴ | ۹ | ۵ | ۳ | ۷ | ۱ | ۶ |
| ۳ | ۱ | ۵ | ۶ | ۴ | ۷ | ۹ | ۸ | ۲ |

جدول ۲۹۲۰

سودوکو سخت ۱۹۱۷

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۳ | ۸ | | | | | ۶ | |
| ۱ | | ۴ | ۲ | ۷ | | ۳ | | |
| ۹ | | | | | ۸ | | | ۴ |
| | | ۱ | ۵ | | | ۶ | | |
| ۳ | | | | | | | ۵ | ۱ |
| | | | ۱ | ۲ | ۷ | | | ۳ |
| | | | ۹ | | ۴ | ۲ | | ۷ |
| | | | | ۸ | | | ۴ | |
| | | ۲ | ۷ | | | | | ۹ |

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۹۱۷

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۴ | ۹ | | | | ۸ | ۵ | | ۲ |
| | | | | ۴ | | ۹ | ۶ | ۳ |
| ۲ | | | ۷ | ۹ | | ۱ | ۸ | |
| ۸ | | ۴ | ۹ | | | ۶ | | |
| | ۶ | | | ۷ | ۱ | ۲ | | |
| ۹ | ۲ | | | ۵ | | ۷ | | |
| ۱ | | | ۵ | ۸ | | | ۹ | ۶ |
| ۳ | ۵ | | ۴ | | | ۸ | | |
| | | | ۱ | ۳ | | | ۵ | ۷ |

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.